

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . ————— ❁

روزنه ای کا

نگاهی به نامه‌ی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)
به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی

به کوشش:

روح الامین سعیدی و حسین شهسواری

نهضت‌نورافزایی

وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی

پیشگفتار

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیر رسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی(ره)، از نعمتهای بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدّس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام(ره) و پس از آن حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان می‌دهد. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را برعهده دارد، در انجام همین وظیفه به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاهها و رهنمودهای معظم‌له در مقاطع، مناسبتها و موضوعات مختلف می‌پردازد.

صدور دو نامه از رهبر معظم انقلاب خطاب به جوانان کشورهای غربی بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های بین‌المللی و داخلی گذاشت. اساتید محترم حوزه و دانشگاه، برای تبیین برخی از ابعاد و ویژگیهای نامه‌ی اول مقالاتی را به نگارش درآوردند که کتاب حاضر شامل برخی از آنهاست. امید است با تبیین و ترویج بیانات معظم‌له، گفتمان انقلاب اسلامی به اقصی نقاط دنیا صادر و مقدمه‌ای برای ظهور حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه) شود. ان شاء الله.

و من الله التوفیق

فهرست مطالب

ق.....	مقدمه.....
۱.....	متن نامه
۵.....	بخش اول: تحلیل و بررسی نامه در بستر متحول نظام جهانی.....
۷.....	درآمد.....
۱۱.....	تحلیلی بر مضامین و محورهای عمده نامه / دکتر همایون همتی
۲۹.....	جایگاه و پیامدهای نامه در نظام بین الملل معاصر/ دکتر رضا سیمبر
۵۷.....	پیامی با پیامد واسازی نظم بین المللی موجود / دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی
۱۰۷.....	رمزگشایی از پیش فرض های فلسفی نامه / دکتر مظفر نامدار
۱۳۵.....	گفتمان بیداری وجدان های خفته، درآمدی بر... / دکتر سیداحمد رهنمایی.....
۱۵۹.....	بررسی تحلیلی وجوه نامه از منظرهای مختلف / دکتر احمد رهدار
۱۸۵.....	پیام امام خمینی(ره) به گورباچف و تحلیل مقایسه ای آن... / دکتر جهانگیر کرمی
۲۲۳.....	رویکرد فطری نامه علیه اسلام هراسی / دکتر ارسلان قربانی شیخ نشین
۲۳۹.....	بخش دوم: جستارهایی در تبیین برخی مفاهیم محوری نامه
۲۴۱.....	درآمد.....
۲۴۵.....	نگاهی به وضعیت مسلمانان ساکن اروپا در... / دکتر علی فهیم دانش
۲۷۵.....	بررسی نحوه و اهداف بازنمایی کلیشه ای اسلام و... / دکتر عبدالله بیچرانلو
۳۱۱.....	پیامدهای جنگ های جهانی در تهدید امنیت انسانی ایرانیان / دکتر بهراه سازمند.....
۳۳۹.....	نظام سلطه و چرایی برساختن دیگری منفور.../ دکتر روح الامین سعیدی
۳۷۱.....	بی ثبات سازی؛ رویکرد جدید آمریکا در غرب آسیا.../ دکتر ابوذر گوهری مقدم.....
۴۰۱.....	نگاهی به کارکردهای مثبت شبکه های اجتماعی / دکتر حمید ضیای پرور

- آینده‌پژوهی تعامل غرب و اسلام / دکتر حاکم قاسمی ۴۲۵
- رویکردی انتقادی به تاریخ غرب مدرن / دکتر شهریار زرشناس ۴۶۳
- آموزه‌های صلح در قرآن کریم / دکتر عباس مصلائی‌پور یزدی ۴۸۹
- بررسی تطبیقی تفکر و عملکرد گروه‌های تکفیری با... / دکتر علی اصغر خندان ۵۱۱

مقدمه

جهان در وضعیت کنونی در آستانه تحول و دگرگونی بنیادین است و دنیا در آستانه یک پیچ تاریخی سرنوشت‌ساز قرار دارد. این وضعیت را می‌توان آشکارا در عرصه‌های مختلف سراغ گرفت:

در عرصه سیاسی شاهد تغییر در هندسه و قطب‌بندی ساختار قدرت جهانی و گذار از نظم تک‌قطبی پساجنگ سرد به نظم یک/چندقطبی هستیم که در قالب آن نقش گذشته آمریکا از «رهبری» و «هژمونی» به «ابرقدرتی» تنزل یافته و کنشگران نوظهوری با ماهیت دولتی (مانند هند، برزیل، ترکیه و ایران) و غیردولتی (مانند حزب‌الله، حماس و انصارالله) وارد معادلات قدرت در سطوح منطقه‌ای و جهانی شده‌اند؛ در عرصه اقتصادی، نظام سرمایه‌داری با بحران‌ها و چالش‌های عمیقی روبروست و توان ترمیم نقائص خود و رفع فقر، بیکاری، رکود و نابرابری فزاینده در مقیاس جهانی را ندارد؛ در عرصه فرهنگی - اجتماعی، جوامع سکولار غربی دستخوش انواع مصادیق جاهلیت مدرن نظیر ابتذال و بی‌بندوباری، همجنس‌گرایی، خشونت، تجاوز، نژادپرستی، قتل و غارت، تلاشی کانون خانواده، پوچ‌گرایی و بحران هویت هستند که تبعات وخیم آن در آمار بالای خودکشی و یا اقبال جوانان اروپایی و آمریکایی به افراط‌گرایی و پیوستن خیل کثیری از آن‌ها به گروه‌های تروریستی تکفیری از جمله داعش قابل مشاهده است؛ در عرصه فکری و فلسفی نیز مکاتب الحادی انسان‌مدار

علی‌رغم تمامی شعارها و ادعاهایشان، به وضوح در تدبیر کار بشر و گره‌گشایی از مشکلات و تسکین آلام او وامانده‌اند و دیگر هیچ نسخه‌ شفافبخش و هیچ افق روشنی برای عرضه به پیروان سرگشته خود ندارند. تا جایی که فضای کنونی اندیشه غرب به‌ویژه پس از طغیان پساتجددگرایی علیه میراث تجدد، فضایی آکنده از تردید، نسبیت، عدم قطعیت، ابهام، دزدگی، ناامیدی، حیرانی و پریشان‌حالی است و چشم‌انداز امیدآفرینی هم برای برون‌رفت از این وضعیت بن‌بست و نازایی فکری متصور نیست. در مجموع می‌توان وضع کنونی جهان را نارضایتی عمومی بشریت - حتی در جوامع غربی - از شرایط ناعادلانه حاکم بر نظام جهانی و مطالبه مصرانه تغییر و رهایی‌بخشی دانست.

به موازات افول فرهنگ و اندیشه غربی، شاهد رشد تدریجی و قابل‌توجه جریان بیداری و معنویت‌گرایی و اقبال دوباره به دین و دین‌داری در سراسر جهان به‌ویژه در جوامع غربی هستیم تا جایی که توجه به نقش دین بار دیگر در محافل علمی و دانشگاهی سکولار غرب رونق گرفته است و صاحب‌نظران از «بازگشت دین از تبعید» سخن می‌گویند و دهه‌های آینده را دوران «پساسکولاریسم» نام می‌نهند. در میان ادیان الهی «اسلام» به عنوان تنها دین مصون از تحریف، برخوردار از مبانی متقن و عقلانی و دارای نظریه جامع و منسجم در ابعاد مختلف به‌منظور تدبیر تمامی وجوه حیات بشری، از بالاترین ظرفیت برای عرضه خود در قامت الگوی جایگزین الگوی مسلط غربی برخوردار است. این دین آسمانی زنده و پویا با بیش از یک و نیم میلیارد پیرو که آمار سریع‌ترین آهنگ رشد جمعیت پیروان را در سراسر جهان به خود اختصاص داده، به اذعان بسیاری از تحلیلگران غربی تنها اندیشه‌ای است که می‌تواند جایگاه چیره‌نظم، الگو و گفتمان مسلط غربی را به چالش بکشد و لذا پادگفتمان و دگر‌هویتی غرب محسوب می‌شود. از همین رو، احساس نگرانی شدید

حاکمان نظام سلطه از رشد روزافزون اسلام و خطری که گسترش تفکر اسلامی برای سیطره جهانی آن‌ها ایجاد می‌کند، موجب شده است تا «از دو دهه پیش به این سو - یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی - این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود»^۱

هرچند که «تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد» و دولت‌های غربی همواره برای حفظ انسجام هویتی خود و یا توجیه سیاست‌های جنگ‌افروزان و فرافکنی مشکلات داخلی‌شان اقدام به دگرسازی و دشمن‌تراشی کرده‌اند و «تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از دیگری، زمینه مشترک تمام آن سودجویی‌های ستمگرانه بوده است»، لکن «سیاست قدیمی هراس‌افکنی و نفرت‌پراکنی، این بار با شدتی بی‌سابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته است» و «ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفکر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد». البته فهم دلیل دشمنی کینه‌توزانه غرب با اسلام چندان دشوار نیست و مروری گذرا بر آموزه‌های مترقی اسلامی در عرصه‌های مختلف حیات بشری کفایت تا آشکارا نشان دهد که «چه معانی و ارزش‌هایی در اسلام، مزاحم برنامه قدرت‌های بزرگ است و چه منافی در سایه تصویرسازی غلط از اسلام تأمین می‌گردد».

مع‌الأسف ظهور و رشد جریان منحرف سلفی - تکفیری در قلمرو کشورهای اسلامی طی سال‌های گذشته با حمایت دول سلطه‌گر غربی، زمینه‌ی رابطه کاذبی میان مسلمانان با مفاهیمی چون تروریسم، بنیادگرایی، افراطیگری، خشونت و خرابکاری را برقرار ساخت. لذا طراحی گسترده‌ای با همکاری اندیشمندان، سیاستمداران، اصحاب رسانه و سینماگران آمریکایی صورت گرفت تا در قالب پروژه اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی، بذر ترس و نفرت از مسلمانان در سراسر دنیا پراکنده شود و دولت‌مردان

۱. تمامی جملات قرارگرفته داخل گیومه در این مقدمه، نقل قول مستقیم از نامه رهبر معظم انقلاب اسلامی به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی، مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱ است.

غربی «ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نماینده اسلام معرفی کنند.»

بازوهای قدرتمند رسانه‌ای غرب با کاربرد انواع تکنیک‌ها و حربه‌های روزآمد فریب افکار و تسخیر ذهن‌ها می‌کوشند «با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین مخاطبان و واقعیت، سد عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بیطرفانه را از آنان سلب نموده و آنان را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور سازند.» برخی از مهم‌ترین اقدامات هدفمند شبکه رسانه‌ای غرب در جنگ نرم تمام‌عیار با جهان اسلام عبارتند از: تصویرسازی کاذب و معرفی اسلام و مسلمین به عنوان مُروّجانِ خشونت در جهان و تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی، ایجاد رابطه دروغین این‌همانی میان تروریست‌های تکفیری نظیر داعش با نهاد اسلام و دولت اسلامی، ایجاد و دامن زدن به اختلافات قومی، نژادی و مذهبی میان مسلمانان به‌ویژه شکاف شیعه و سنی برای مشغول کردن مسلمانان به خود و تضعیف نیروی درونی آن‌ها، و ترویج فرهنگ و سبک زندگی مادی‌گرایانه و لذت‌جویانه غربی در بستر جوامع اسلامی به‌منظور انحراف مسلمانان علی‌الخصوص جوانان از خط اصیل اسلام ناب.

اکنون باید پرسید رسالت دنیای اسلام در برهه حساس و سرنوشت‌ساز کنونی - که می‌تواند نقطه عطف مهمی در تاریخ حیات بشر باشد - در مواجهه با نظام سلطه غرب و اقدامات اسلام‌ستیزانه آن چیست؟ به نظر می‌رسد رهبران، علما، اندیشمندان، نخبگان و رسانه‌های جوامع اسلامی پس از درک عمیق وضعیت متحول جهان امروز و باور به نقش بدیل‌الگوی اسلامی در برابر الگوی ناکارآمد موجود، باید با استفاده از روش‌های گوناگون، راهبرد شالوده‌شکنی و مشروعیت‌زدایی از نظام ظالمانه و ناعادلانه حاکم بر جهان و سپس طرح ایده و الگوی نظم جدید جهانی مبتنی بر عدالت را به عنوان الگوی احسن و تنها ملجأ‌رهایی‌بخش

بشر امروز از بحران‌های لاینحل تجدد در دستورکار قرار دهند.

نامه رهبر معظم انقلاب اسلامی - که در بهمن‌ماه ۱۳۹۳ خطاب به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی منتشر شد^۱ - را بدون شک باید مصداق بارزی از اقدام آگاهانه و هوشمندانه برای شالوده‌شکنی نظام سلطه جهانی و طرح الگوی بدیل اسلامی قلمداد کرد. این اقدام بدیع و ابتکاری از جهات بسیاری قابل توجه بوده و حاوی نکات آموزنده فراوانی است که درک عمیق آن‌ها می‌تواند در ترسیم مسیر حرکت آینده جهان اسلام به‌ویژه علما، اندیشمندان، روشنفکران، مبلغین و رسانه‌های مسلمان فوق‌العاده مؤثر و راهگشا باشد.

اولاً عنصر زمان‌شناسی در نامه رهبر انقلاب جایگاه والایی دارد. این نامه هنگامی نگاشته شد و انتشار یافت که فضاسازی تخریبی گسترده‌ای علیه اسلام و مسلمانان توسط دولت‌های غربی با ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای در اختیارشان به بهانه حوادث تروریستی فرانسه یا کشتارهای وحشیانه گروه داعش در غرب آسیا در جریان بود. بی‌شک در چنین جو سنگینی، واکنش فعالانه رهبر دینی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران که تصویری کاملاً متفاوت با تصویر بازنمایی شده از اسلام در رسانه‌های غربی ارائه می‌کرد، بسیار قابل توجه بود و روایت تحریف‌شده درباره اسلام را به چالش می‌کشید. محتوای نامه آشکارا نشان می‌داد که با اشراف کامل بر وضعیت متحول جهان در آستانه پیچ تاریخی و به قصد گشایش عرصه‌ای جدید برای کنشگری فعالانه در برابر تحرکات دشمنان نگاشته شده است.

ثانیاً رهبر انقلاب اسلامی به جای مقامات سیاسی کشورهای غربی عموم جوانان ساکن در قلمرو جهان غرب را مخاطب قرار می‌داد. ایشان در متن نامه، نقش آینده‌ساز جوانان و زنده بودن حس حقیقت‌جویی در

۱. البته دومین نامه معظم‌له نیز در آذر ۱۳۹۴ در استمرار ایفای این رسالت بزرگ، حاوی مباحث و نکات مهمی است که در این اثر بدان پرداخته نشده است.

نهاد آنان و نیز عدم پایبندی دولتمردان غربی به صداقت و درستی در سیاست‌ورزی را دلیل انتخاب جوانان اروپا و آمریکا به عنوان مخاطب کلام خویش دانسته‌اند.

این نامه با استفاده از بیانی ملایم، شیوا، غیررسمی، دوستانه و غیرتحکم‌آمیز، آغازگر نهضت پرسشگری است و از مخاطبان خود می‌خواهد در فضایی آزاد و به دور از فشار و تعصب و بی‌آن‌که اجباری برای پذیرش سخنان نویسنده و دیدگاه‌های وی داشته باشند، تنها به چند سؤال اساسی بیان‌دیشند: «از شما می‌خواهم از روشنفکران خود پرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟ چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشته‌های دور باشد نه مسائل روز؟ چرا در موضوع مهمی همچون شیوه برخورد با فرهنگ و اندیشه اسلامی، از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری می‌شود؟... خواسته اول من این است که درباره انگیزه‌های این سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید. خواسته دوم من این است که در واکنش به سیل پیشداوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضاء می‌کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. من اصرار نمی‌کنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید بلکه می‌گویم اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده به شما شناسانده شود.»

ثالثاً انتشار نامه ابتدا در فضای مجازی و از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت گرفت. با توجه به نفوذ عمیقی که این رسانه‌ها و ابزارهای نوین ارتباطی در عصر کنونی دارند، این اقدام بدیع نشان داد می‌توان به جای منفعل شدن در برابر هجوم عظیم دستگاه تبلیغاتی غرب، با اتخاذ موضع فعال از همان ابزارها برای تبیین حقایق و به دست گرفتن ابتکار عمل در

عرصه‌ای که ظاهراً متعلق به حریف است استفاده کرد.

رابعاً محتوای نامه علی‌رغم حجم کم آن شامل موضوعات مهم و درخور توجهی هم دربارهٔ غرب (مانند غرب‌شناسی انتقادی، سیاست دیگرسازی و دیگرهراسی ابرقدرت‌ها، نحوهٔ شکل‌گیری وجدان و آگاهی عمومی در غرب و نقش رسانه‌ها در هدایت هدفمند افکار عمومی از طریق تصویرسازی‌های غلط) و هم دربارهٔ اسلام (مانند دعوت به کسب برداشت و تصویر صحیحی از اسلام یا دعوت به مطالعهٔ اسلام با رجوع به منابع اصیل آن یعنی قرآن و سنت) است. این موضوعات می‌تواند روزنهٔ تازه‌ای به مسئلهٔ نسبت اسلام و غرب از منظری متفاوت فراروی نخبگان و اندیشمندان بگشاید و در راستای رفع بسیاری از چالش‌های موجود مثمر ثمر باشد.

نامهٔ رهبر معظم انقلاب در حقیقت آغاز یک مسیر است. مسیر کنش ارتباطی و بیدارگر که طی آن مردمان آزادمنش و ژرف‌اندیش جامعهٔ جهانی به‌ویژه جوانان در جایگاهی برابر و در فضایی مبتنی بر منطق و استدلال و رها از القائات گفتمان نظام سلطه و مناسبات قدرت، به بحث و گفتگو و هم‌اندیشی سازنده برای نیل به حقیقت برای یافتن راهکارهایی جهت رفع مشکلات جوامع بشری پردازند. ایشان خطاب به جوانان غربی اظهار می‌دارد: «این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگر چه ناگوار است اما می‌تواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنجکاو و جستجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نوپیش روی شما قرار می‌دهد. بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیشداوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیت‌پذیری شما در قبال حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزرده‌گی کمتر و وجدانی آسوده‌تر به نگارش درآورند.»

کتاب پیش‌رو مجموعه مقالات علمی به قلم اساتید و پژوهشگران برجسته عرصه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و علوم اسلامی است که در دو بخش به بررسی و تبیین نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپا و آمریکا و ارزیابی اثرات آن می‌پردازد. این مجموعه، حاصل طرحی است که پس از صدور نامه رهبر معظم انقلاب، معاونت پژوهش و آموزش موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی با همفکری ستاد نشر و تبلیغ نامه معظم‌له آن را تدوین کرد و به اجرا نهاد. بدیهی است دیدگاه نویسندگان در همه موارد یکسان نیست و لزوماً این دیدگاه‌ها، دیدگاه این معاونت نیست، هرچند مطالعه دقیق و تأمل در این دیدگاه‌ها زمینه فهم عمیق‌تر مفاد نامه را فراهم می‌سازد.^۱ از نویسندگان فرهیخته و ارزیابان ارجمند مقالات و سایر دوستانی که در شکل‌گیری این اثر نقش داشته‌اند، بویژه از آقای دکتر روح‌الامین سعیدی مجری طرح و جناب آقای حسین شهسواری، ناظر طرح، تقدیر و تشکر می‌شود. امید است این اثر گام کوچکی باشد در مسیر نوینی که رهبر معظم انقلاب گشوده‌اند. والحمدلله رب العالمین.

معاونت پژوهش و آموزش

موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

۱. رایانامه برای ارسال نظرات و دیدگاه‌ها: Amoozesh.pajooeshi@chmail.ir